

بررسی تأثیر دوره تصدی حسابرسی بر عدم اطمینان اطلاعاتی

روح اله قیطاسی^۱

عضو هیئت علمی گروه حسابداری دانشگاه ایلام

سهراب استا^۲

عضو هیئت علمی گروه حسابداری دانشگاه ایلام

فتح اله حاجی زاده^۳

سر حسابرس دیوان محاسبات استان ایلام و مدرس دانشگاه

۱. آدرس: ایلام، دانشگاه ایلام، دانشکده ادبیات و علوم انسانی

ایمیل: rgheitasi@gmail.com

تلفن: ۰۸۴۱۲۲۴۴۶۵۶ - ۰۹۱۸۸۴۰۵۱۸۹

۲. آدرس: ایلام، خیابان فنی و حرفه ای، کوی اساتید دانشگاه ایلام

ایمیل: sohrab.ghasrejadid@gmail.com

تلفن: ۰۹۱۸۳۵۶۰۲۸۸

۳. آدرس: ایلام، ۲۴ متری اشرفی اصفهانی، کوچه نسیم^۲

ایمیل: hajizadeh2452@gmail.com

بررسی تأثیر دوره تصدی حسابرسی بر عدم اطمینان اطلاعاتی

چکیده

این مطالعه به بررسی تأثیر دوره تصدی حسابرسی بر ویژگی عدم اطمینان اطلاعاتی واحد تجاری می‌پردازد. ویژگی عدم اطمینان اطلاعاتی با معیارهای پراکندگی پیش‌بینی سود هر سهم، خطای پیش‌بینی سود هر سهم و تغییرپذیری بازده سهام اندازه‌گیری می‌شود. فرضیه-های پژوهش با استفاده از رگرسیون داده‌های تلفیقی و روش حداقل مربعات تعمیم یافته مورد آزمون قرار می‌گیرد. جامعه آماری پژوهش، شرکتهای غیرمالی حاضر در بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای ۱۳۸۲-۱۳۸۸ می‌باشد. نتایج حاصل از بررسی ۵۶ شرکت عضو نمونه آماری تحقیق نشان می‌دهد که بین دوره تصدی حسابرسی با متغیرهای پراکندگی پیش‌بینی سود هر سهم و خطای پیش‌بینی سود هر سهم رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد، اما متغیر تغییرپذیری بازده سهام با دوره تصدی حسابرسی رابطه معناداری ندارد. بنابراین افزایش در دوره تصدی حسابرسی، عدم اطمینان نسبت به اطلاعات ارائه شده توسط واحد تجاری را کاهش می‌دهد که این یافته، دیدگاه تخصص حسابرسان را تایید و نگرانی در خصوص دیدگاه استقلال حسابرسان را برطرف می‌نماید.

کلید واژه: عدم اطمینان اطلاعاتی، دوره تصدی حسابرسی، پراکندگی پیش‌بینی و خطای پیش‌بینی سود، تغییرپذیری بازده سهام

مقدمه

مطالعات دوره تصدی حسابرس به بررسی این امر می‌پردازند که آیا مدت طولانی رابطه حسابرس - صاحبکار بر کیفیت حسابرسی تاثیر دارد یا خیر. علت و محرک این تحقیقات نیز دعوت به تغییر اجباری یا اختیاری حسابرس می‌باشد. استدلالی که در جهت تغییر حسابرس عنوان می‌شود این است که دوره تصدی بلندمدت استقلال حسابرس را خدشه‌دار می‌کند. استدلال مخالف نیز این است که حسابرسان از انگیزه‌های اقتصادی قوی برای حفظ استقلال برخوردارند و سازوکارهای داخلی از قبیل چرخش پرسنل برای حفظ استقلال و تردید حرفه‌ای حسابرسان کافی می‌باشد (فرانسیس ۲۰۰۴). همچنین استدلال می‌شود که دوره تصدی بلندمدت تر باعث آشنایی بیشتر حسابرس با عملیات تجاری و مسائل گزارشگری صاحبکار می‌شود و لذا کیفیت حسابرسی افزایش می‌یابد (حکیم و عمری ۲۰۱۰، المظلیری و همکاران ۲۰۰۹). با توجه به این موارد می‌توان متصور بود که دوره تصدی حسابرس بر کیفیت اطلاعات مالی یا تاثیر مثبت داشته و یا اینکه سرمایه‌گذاران، دوره تصدی بلند مدت تر را به عنوان علامتی منفی ارزیابی کرده و سبب عدم اطمینان اطلاعاتی گردد. با توجه به این دو استدلال رقیب، صرفنظر از مستقیم یا معکوس بودن این رابطه، انتظار می‌رود که دوره تصدی حسابرس با عدم اطمینان اطلاعاتی رابطه داشته باشد. سازمان حسابرسی به عنوان شخصیت قانون‌گذاری اصول و ضوابط حسابداری و حسابرسی در کشور، در نشریه ۱۲۳ آئین رفتار حرفه‌ای چنین بیان شده است: بکارگیری کارکنان ارشد در ارتباط با یک صاحبکار برای سالهای متمادی ممکن است تهدید برای استقلال باشد و در چنین شرایطی حسابدار حرفه‌ای مستقل باید اقداماتی را به منظور حصول اطمینان از حفظ استقلال و بیطرفی انجام دهد. از جمله اقدامات کنترلی و حفاظت‌هایی که می‌توان در این زمینه انجام داد چرخش اعضای ارشد تیم اطمینان، درگیر نمودن یک حسابدار حرفه‌ای

اضافی جهت مرور کار انجام شده اعضای ارشد یا مشورت در صورت لزوم، و در نهایت مرور کیفیت کار به صورت داخلی اما مستقل می‌باشد .

در این رابطه فدراسیون بین‌المللی حسابداران^۱ در آئین رفتار حرفه‌ای خود بیان می‌دارد: هنگامی که شرکای حسابرسی با تجربه و دانش لازم، محدود باشند، چرخش شریک ممکن است حفاظت مناسبی نباشد و در این رابطه باید حفاظت‌های دیگری به کار گرفته شود مثل درگیر ساختن حسابدار حرفه‌ای دیگری از داخل یا خارج مؤسسه، جهت مرور کار انجام شده یا در صورت لزوم جهت مشورت که ارتباطی با تیم اطمینان ندارد.

انجمن‌های حرفه‌ای حسابداری و سازمانهای ناظر حرفه از دیرباز نگران تاثیر دوره تصدی بلند مدت حسابرسی شرکت توسط یک حسابرس بوده‌اند، سازمانهای ناظر بر حرفه به دلیل اثرات منفی دوره تصدی بلند مدت بر استقلال حسابرس، از آن به عنوان یک تهدید بر کیفیت حسابرسی یاد می‌کنند. براین اساس آنها به دنبال محدود نمودن طول دوره تصدی حسابرسان در سطح مؤسسه حسابرسی و یا شرکاء حسابرسی بوده‌اند و نگرانی اصلی در این زمینه این است که با افزایش طول دوره تصدی حسابرس، استقلال حسابرس کاهش و در نتیجه، حسابرسان تمایل بیشتری برای کنار آمدن و پذیرفتن شیوه‌های گزارشگری شرکتها خواهند داشت و این به معنای کاهش کیفیت حسابرسی با افزایش طول دوره تصدی حسابرسی می‌باشد. در نقطه مقابل، عده‌ای بر این باور هستند که افزایش طول دوره تصدی باعث افزایش کیفیت حسابرسی می‌شود زیرا که حسابرسان برای ارتقاء کیفیت حسابرسی نیاز به شناخت کسب و کار خاص مشتری بوده و این دانش و شناخت در طول زمان به دست می‌آید. از این‌رو، این گروه اعتقاد دارند که افزایش طول دوره تصدی باعث افزایش کیفیت حسابرسی می‌گردد. یکی از رویکردهایی که در بیشتر کشورها برای محدود نمودن طول دوره تصدی حسابرسی اتخاذ گردیده، استفاده از سیاست چرخش اجباری شرکا حسابرسی می‌باشد که در ایران طبق دستورالعمل سازمان بورس، مؤسسات حسابرسی

بعد از گذشت ۴ سال مجاز نیستند، مجدداً سمت حسابرس مستقل و بازرس قانونی شرکت واحدی را بپذیرند. با توجه به موارد مذکور هدف این مطالعه بررسی تاثیر طول دوره تصدی حسابرس بر عدم اطمینان اطلاعاتی می باشد که در دو دیدگاه اثرات منفی دوره تصدی بلند مدت و اثرات مثبت دوره تصدی بلند مدت مورد بررسی قرار می گیرد .

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

وجود اطلاعات محرمانه مدیران و عدم دقت در اطلاعات گزارش شده باعث افزایش ریسک اطلاعات خواهد شد. بازده مورد انتظار سرمایه گذاران تحت تاثیر ریسک اطلاعات قرار دارد. ریسک اطلاعات بستگی به میزان اطلاعات محرمانه و عدم دقت اطلاعات عمومی گزارش شده دارد. هرچه میزان اطلاعات محرمانه بیشتر و دقت اطلاعات ارائه شده کمتر باشد بازده مورد انتظار سرمایه گذاران بالاتر خواهد بود (فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۴). باتوجه به اینکه ریسک اطلاعات از میزان دقت در اطلاعات ارائه شده و ناتوانی اطلاعات موجود در برآورد بازده مورد انتظار ناشی می شود، تغییرات سود به عنوان شاخص ریسک اطلاعات حسابداری شناخته می شود. برای اینکه سود بتواند در ارزیابی عملکرد و توان سودآوری یک شرکت به استفاده کنندگان کمک کند و سرمایه گذاران با اتکاء به اطلاعات سود، بازده مورد انتظار خود را برآورد کنند، ارائه اطلاعات باید به نحوی باشد که ارزیابی عملکرد گذشته را ممکن سازد و در سنجش توان سودآوری و پیش بینی فعالیتهای آتی مؤثر باشد. بنابراین علاوه بر اینکه رقم سود گزارش شده برای سرمایه گذاران مهم است و بر تصمیم های آنها تاثیر دارد، پایداری سود نیز به عنوان یکی از ویژگی های کیفی سود، مورد توجه خاص سرمایه گذاران است. پژوهش ها نشان داده است که نوسان کم و پایدار سود، حکایت از کیفیت آن دارد. به این ترتیب سرمایه گذاران با اطمینان بیشتر در سهام شرکت هایی سرمایه گذاری می کنند که روند سود آنها با ثبات تر است (ابراهیمی و ذاکری، ۱۳۸۸). تاکنون پژوهش های مختلفی در خصوص انگیزه ها و محرک های مؤثر بر مدیریت سود انجام شده

است، نتایج نشان دهد که محرک‌هایی همچون قراردادهای بدهی، طرح‌های پاداش، ساختار مالکیت و هزینه‌های سیاسی از مهمترین محرک‌های مدیریت سود هستند (دیچو و همکاران، ۱۹۹۵). از انگیزه‌های مدیریت سود، کاهش خطای پیش‌بینی سود در دوره جاری و آتی است. مدیران علاقه‌مندند که پیش‌بینی‌های آنها در رابطه با سود بودجه شده تحقق یابد، چنانچه این امر محقق نشود، مدیران با استفاده از ابزارهایی سود را مدیریت می‌کنند. پژوهشگران رابطه مثبت بین قیمت سهام و خطای پیش‌بینی مدیریت را اثبات کرده و بیان می‌کنند که خطاهای پیش‌بینی مدیران از دیدگاه سرمایه‌گذاران دارای ارزش اقتصادی است. چنانچه سودها از مبلغ پیش‌بینی شده کمتر باشد، احتمالاً قیمت سهام شرکت کاهش خواهد یافت (ابراهیمی و ذاکری، ۱۳۸۸). برخی از پژوهشگران نیز به شواهدی دست یافتند که نشان می‌دهد، هنگامی که عملکرد فعلی شرکت نسبت به عملکرد مورد انتظار ضعیف باشد، مدیران شرکت تمایل دارند تا از طریق اقلام تعهدی به هموارسازی سود بپردازند و سودهای آتی را به دوره جاری منتقل کنند، همچنین هنگامی که عملکرد جاری شرکت نسبت به عملکرد مورد انتظار بهتر باشد، مدیران درصددند تا از طریق اقلام تعهدی کاهنده سود، سود را برای دوره‌های آتی ذخیره کنند، این موضوع بدین معناست که شرکتها سودهای خود را در دوران مساعد کاهش داده تا بتوانند در دوران نامساعد، سود را افزایش دهند (دی فوند و پارک، ۱۹۹۷).

در این مطالعه، عدم اطمینان اطلاعاتی واحد تجاری با معیارهای تغییرپذیری بازده سهام، پراکندگی و خطای پیش‌بینی سود هر سهم، اندازه‌گیری می‌شود. تغییرپذیری بازده سهام، مستقیماً عدم اطمینان به ارزش‌گذاری سهام را اندازه‌گیری می‌کند و پراکندگی و خطای پیش‌بینی سود هر سهم نیز، عدم دقت یا میزان پراکندگی در برآورد عملکرد آتی شرکت را نشان می‌دهد.

با عنایت به موارد مذکور چگونگی تأثیرگذاری اطلاعات منتشر شده توسط مدیریت شرکتها در خصوص ارزش‌گذاری سهام و همچنین در خصوص سود پیش‌بینی شده، تحت تأثیر کیفیت و قابلیت اطمینان اطلاعاتی می‌باشد. حسابرسی به عنوان بخشی از نظام راهبری شرکت، می‌تواند نقش مهمی در اعتباربخشی و حصول اطمینان از کیفیت اطلاعات ارائه شده توسط مدیریت به بازار سرمایه، داشته باشد. حسابرسی به عنوان یک سازوکار نظارتی می‌تواند باعث بهبود کیفیت اطلاعات حسابداری و از جمله سود حسابداری، با استفاده از کاهش تفاوت بین وقایع اقتصادی گزارش شده و شرایط اقتصادی موجود گردد. نتایج تحقیقات نشان داده است که حسابرسی با کیفیت بالا، باعث کاهش مدیریت سود شده و همچنین باعث کاهش میزان خطای اندازه‌گیری سهوی مدیریت در سنجش سود می‌گردد. یکی از این عوامل تأثیرگذار، طول دوره‌ی تصدی حسابرسی می‌باشد که با نتایج متضاد و در قالب دو فرضیه “تخصیص حسابرس” و “استقلال حسابرس” ارائه شده است. فرضیه تخصیص حسابرس بر این باور است که با افزایش طول دوره تصدی حسابرسی، کیفیت حسابرسی افزایش یافته که سبب کاهش عدم اطمینان اطلاعاتی می‌گردد و همچنین فرضیه استقلال حسابرس، باعث کاهش کیفیت حسابرسی شده که در نتیجه، سبب افزایش عدم اطمینان اطلاعاتی می‌گردد. نتایج تحقیقات انجام شده در خصوص چگونگی تأثیر طول دوره تصدی حسابرسی بر کیفیت حسابرسی و در نهایت بر عدم اطمینان اطلاعاتی، شواهد مختلفی را برای هر دو نظریه فراهم آورده است.

تحقیقاتی که با افزایش طول دوره تصدی حسابرسی نشان دهنده کاهش کیفیت حسابرسی یا به عبارتی افزایش عدم اطمینان اطلاعاتی بوده‌اند، عبارتند از:

چویی و دوگار (۲۰۰۵) نشان دادند با افزایش دوره تصدی، تمایل حسابرسان به انتشار گزارش حاوی شرط تداوم فعالیت کاهش می‌یابد. کاپلی و دوسه (۱۹۹۳) نیز دریافتند، حسابرسی‌های زیر استاندارد با افزایش دوره تصدی افزایش می‌یابد. داویس و همکاران

(۲۰۰۹) به رابطه مثبت بین طول دوره تصدی حسابرسی و سطح اقلام تعهدی غیر نرمال دست یافتند. نتایج تحقیق وانسترالن (۲۰۰۰) حاکی از این موضوع است که همکاری‌های بلندمدت حسابرسی و صاحبکار، احتمال صدور گزارش مقبول از سوی حسابرسان را افزایش می‌دهد. مایرس و همکاران (۲۰۰۳) نشان دادند که در شرکتهای با دوره تصدی حسابرسی بلندمدت، احتمال بیشتری برای مدیریت بیش از واقع سود و انحراف سود وجود دارد. نتایج تحقیقات باتز و همکاران (۱۹۸۲) نشان می‌دهد قضاوت حسابرسان تحت تأثیر روابط بلندمدت حسابرس و صاحبکار است. استنلی و دیزورت (۲۰۰۷) نشان دادند که با افزایش دوره تصدی احتمال تجدید ارائه صورتهای مالی کاهش می‌یابد.

همچنین تحقیقاتی که با افزایش طول دوره تصدی حسابرسی نشان دهنده افزایش کیفیت حسابرسی یا به عبارتی کاهش عدم اطمینان اطلاعاتی بوده‌اند عبارتند از: پیر و اندرسون (۱۹۸۴) نشان دادند احتمال طرح دعاوی حقوقی علیه حسابرسان در سالهای ابتدایی کار حسابرسان افزایش می‌یابد. جانسون و همکاران (۲۰۰۲) نشان دادند که قدر مطلق سطح اقلام تعهدی غیر نرمال در طی سالهای اولیه تصدی حسابرسی بالاتر از سالهای پایانی است. والکر و همکاران (۲۰۰۱) نیز مشاهده کردند که نرخ شکست‌های حسابرسی در روابط طولانی حسابرس-صاحب کار کمتر است. گل و همکاران (۲۰۰۹) نشان دادند که کیفیت سود در سالهای اولیه دوره تصدی حسابرسی پایین است. ناگی و کارسلو (۲۰۰۴) به این نتیجه دست یافتند که احتمال گزارشگری متقلبانه در سالهای اولیه کار حسابرسی بیشتر است. گوش و مون (۲۰۰۵) مشاهده کردند کیفیت حسابرسی با افزایش دوره تصدی بهبود می‌یابد.

در ایران نیز تحقیقاتی به شرح زیر صورت گرفته است:

آقایی و اردکانی (۱۳۹۱) کیفیت حسابرسی را بر مدیریت سود بررسی نمودند، آنها برای کیفیت حسابرسی از شاخص تخصص صنعت استفاده نمودند، نتایج تحقیق آنها حاکی از

آن است که شرکتهای دارای حسابرس متخصص در صنعت، دارای سطح مدیریت ارقام تعهدی اختیاری پایین تری می‌باشند. رجیبی (۱۳۸۵) نشان می‌دهد که حضور طولانی مدت حسابرس در کنار صاحبکار موجب ایجاد تمایلاتی برای حفظ و رعایت نقطه نظرات مدیریت صاحبکار می‌شود، وضعیتی که استقلال و بیطرفی او را مخدوش می‌کند. کرمی و بذرافشان (۱۳۸۸) در مطالعه خود نشان دادند که با افزایش دوره تصدی، محافظه کاری نیز افزایش می‌یابد و چرخش اجباری حسابرس اثر معکوس بر روی محافظه کاری سود دارد. کاشانی‌پور و همکاران (۱۳۹۱) به این نتیجه دست یافتند که بین ارقام تعهدی اختیاری و دوره تصدی حسابرسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. مجتهدزاده و آقایی (۱۳۸۳) عوامل مؤثر بر کیفیت حسابرسی مستقل را بررسی نمودند، در این مطالعه سیزده عامل شناسایی شده مؤثر بر کیفیت حسابرسی آورده شده و همچنین دیدگاههای استفاده‌کنندگان و حسابرسان مستقل نیز بررسی شده است. عرب صالحی و همکاران (۱۳۹۰) نشان دادند که رفتارهای حرفه‌ای کاهنده کیفیت حسابرسی تحت تأثیر درک حسابرس از اجرا یا نقض قرارداد روانی و یا تعهدات عاطفی سازمانی قرار نمی‌گیرد. نمازی و همکاران (۱۳۹۰) نشان دادند که بین مدیریت سود و دوره تصدی حسابرس رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه‌های تحقیق

بر اساس شواهد موجود در خصوص چگونگی رابطه بین طول دوره تصدی حسابرسی و عدم اطمینان اطلاعاتی و همچنین دلایل اشاره شده در مبنای نظری تحقیق و با توجه به معیارهای ارزیابی ویژگی عدم اطمینان اطلاعاتی، فرضیه‌های تحقیق طراحی شده است. معیارهای ارزیابی عبارتند از: پراکندگی پیش‌بینی سود هر سهم، خطای پیش‌بینی سود هر سهم و تغییرپذیری بازده سهام. بنابراین فرضیه‌های تحقیق به صورت زیر ارائه می‌گردد:

۱. بین طول دوره تصدی حسابرسی و پراکندگی پیش‌بینی سود هر سهم رابطه معنی‌دار وجود دارد.

۲. بین طول دوره تصدی حسابرسی و خطای پیش‌بینی سود هر سهم رابطه معنی‌دار وجود دارد.

۳. بین طول دوره تصدی حسابرسی و تغییرپذیری بازده سهام رابطه معنی‌دار وجود دارد.

روش تحقیق

این تحقیق برحسب هدف، تحقیقی کاربردی و براساس چگونگی جمع‌آوری داده‌ها، توصیفی می‌باشد. با توجه به دسته‌بندی‌های مختلف تحقیقات توصیفی، تحقیق حاضر از نوع همبستگی می‌باشد. در این تحقیق برای آزمون وجود رابطه بین متغیرها و همچنین معنادار بودن مدل ارائه شده برای توضیح متغیر وابسته، از تحلیل رگرسیون استفاده شده است. برای این منظور مدل تحقیق به صورت زیر طراحی شده است:

$$ForecastDispersion_{it} = \alpha_{it} + \alpha_1 Time + \alpha_2 Big + \alpha_3 Leverage + \alpha_4 Ln.volume + \alpha_5 Ln.In\ var + \alpha_6 Ln.TA + \alpha_7 Loss + \alpha_8 New + \alpha_9 OPin + \alpha_{10} Turnover + \alpha_{11} RoA$$

$$ForecastError_{it} = \alpha_{it} + \alpha_1 Time + \alpha_2 Big + \alpha_3 Leverage + \alpha_4 Ln.volume + \alpha_5 Ln.In\ var + \alpha_6 Ln.TA + \alpha_7 Loss + \alpha_8 New + \alpha_9 OPin + \alpha_{10} Turnover + \alpha_{11} RoA$$

$$ReturnVolatility_{it} = \alpha_{it} + \alpha_1 Time + \alpha_2 Big + \alpha_3 Leverage + \alpha_4 Ln.volume + \alpha_5 Ln.In\ var + \alpha_6 Ln.TA + \alpha_7 Loss + \alpha_8 New + \alpha_9 OPin + \alpha_{10} Turnover + \alpha_{11} RoA$$

Forecast Dispersion = پراکندگی پیش‌بینی سود هر سهم (انحراف معیار سود هر سهم پیش-

بینی شده در بودجه و تعدیلات صورت گرفته در سال t)

Forecast Error = خطای پیش‌بینی سود هر سهم (تفاوت بین سود هر سهم پیش‌بینی شده اولیه

و واقعی در سال t)

Return volatility = تغییرپذیری بازده (انحراف معیار بازده‌های ۳ ماهه در طول سال t، با توجه

به اینکه شرکتها موظف به ارائه گزارشهای ۳ ماهه هستند)

Time = دوره تصدی حسابرِس (تعداد سالهایی که حسابرِس در استخدام یک شرکت واحد است)
Big = کیفیت حسابرِس (اگر حسابرِس سازمان حسابرِسی باشد، یک در غیراینصورت صفر)
Leverage = اهرم (نسبت کل بدهیهای بلند مدت به کل دارائیهها)
Ln Volum = لگاریتم میانگین حجم معاملات روزانه
Ln Invar = پیچیدگی حسابرِس (لگاریتم مجموع حسابهای دریافتی و موجودی کالا)
LnTA = اندازه واحد مورد رسیدگی (لگاریتم مجموع دارائیهها)
Loss = زیان (اگر صاحبکار سال گذشته زیان گزارش کرده باشد یک در غیر اینصورت صفر)
New = تغییر حسابرِس (اگر حسابرِس تغییر کرده باشد، یک در غیراینصورت صفر)
Opin = اظهار نظر حسابرِس (برای اظهار نظر مقبول حسابرِس یک در غیر اینصورت صفر)
Turnover = میانگین نسبت گردش معاملات روزانه (نسبت گردش روزانه برابر با حجم معاملات روزانه تقسیم بر سهام در دست سهامداران)
RoA = بازده دارائیهها (نسبت سود قبل از بهره و مالیات به کل دارائیهها)

روش گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش

برای گردآوری اطلاعات در خصوص تبیین ادبیات موضوع پژوهش، از روش کتابخانه‌ای و مطالعات اسنادی استفاده شده و به منظور دستیابی به اطلاعات مورد نیاز جهت پردازش فرضیه‌های پژوهش، از اطلاعات موجود در نرم‌افزار شرکت ره‌آورد نوین و بررسی صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با مراجعه به سایت رسمی بورس اوراق بهادار تهران استفاده شده است. در این مرحله پس از جمع‌آوری داده‌های آماری، برای جمع‌بندی و محاسبات مورد نیاز از نرم‌افزار Excel و Eviews ۶ و Minitab ۱۵ استفاده شده است.

در این پژوهش، مطابق اکثر مطالعات برای ارزیابی محتوای اطلاعاتی حسابداری، از ضریب تعیین و ضرایب رگرسیون استفاده شده است. در این پژوهش از الگوی پانل با داده‌های متوازن^۲ استفاده شده است، یعنی متغیرها، تلفیقی از داده‌های سری زمانی و داده-

های مقطعی هستند و برای هر شرکت نمونه، دوره زمانی مورد بررسی مشابه است. مدل‌های پژوهش، با روش حداقل مربعات تعمیم یافته^۳ در چارچوب مقطعی توزینی^۴ تخمین زده شده است. به طور کلی، حداقل مربعات تعمیم یافته، همخطی بین جملات پسماند را کنترل می‌کند که وقتی حداقل مربعات تعمیم یافته در چارچوب رگرسیون‌های به ظاهر نامرتب از نظر زمانی استفاده شود، ناهمسانی واریانس را بین نمونه‌های مقطعی مختلف، کنترل می‌نماید و آثار ثابت زمانی، ویژگی‌های خاص هر نمونه را در نظر می‌گیرد. در صورت وجود ناهمسانی واریانس به منظور رفع آن از روش وایت استفاده شده است. به منظور تعیین همخطی بین متغیرهای مستقل از آزمون عامل تورم واریانس^۵ استفاده می‌شود. در صورتی که مقدار آماره بین ۱ و ۵ باشد، مشکل همخطی وجود ندارد.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری در این تحقیق شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به استثنای شرکتهای فعال در حوزه بانکی و موسسات مالی است که دارای شرایط زیر باشند:

- ۱- طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۸ حسابرس خود را تغییر داده باشند.
- ۲- سال مالی آنها به پایان اسفند ماه ختم شود.
- ۳- بین سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۸ تغییر سال مالی نداشته باشند.
- ۴- اطلاعات مورد نیاز شرکتهای در دسترس باشند.

با توجه به موارد مذکور تعداد ۵۶ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۸ که دارای شرایط فوق بودند به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

نتایج توصیفی نمونه تحقیق در جدول ۱، آورده شده است. با توجه به اطلاعات توصیفی نمونه میانگین طول دوره تصدی حسابرسی ۴/۸۲ سال می‌باشد که بیشتر از ۴ سال دوره

چرخش اجباری تعیین شده توسط سازمان بورس و اوراق بهادار می‌باشد حداقل دوره
تصدی ۱ سال و حداکثر دوره تصدی ۱۱ سال می‌باشد.

جدول ۱: آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

کشدگی	چولگی	انحراف معیار	کمترین	بیشترین	میانه	میانگین	
۶/۳۰	۱/۷۸	۱۱۸	۰/۰۰	۶۲۱	۷۲	۱۰۶	پراکندگی پیش‌بینی سود هر سهم
۲۱	۱/۹۷	۴۷۱	-۲۰۵۶	۳۵۰۹	۱۹	۴۱/۷۳	خطای پیش‌بینی سود هر سهم
۶/۰۱	۱/۵۳	۴/۱۵	۰/۰۰	۲۲/۸	۴/۶۴	۵/۷۳	تغییر پذیری بازده
۲/۱۲	۰/۳۷	۲/۸۵	۱/۰۰	۱۱	۴	۴/۸۲	دوره تصدی حسابرس
۱/۳۰	۰/۵۴	۰/۴۸	۰/۰۰	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۳۷	کیفیت حسابرس
۲/۷۲	-۰/۰۴	۰/۱۶	۰/۲۵	۱/۱۲	۰/۶۵	۰/۶۵	اهرم
۳/۲۹	-۰/۴۵	۲/۸۲	۱۳/۹	۲۹/۱	۲۳/۰۷	۲۲/۷	لگاریتم میانگین حجم معاملات روزانه
۴/۰۸	۰/۰۶	۱/۳	۸/۱	۱۵/۹	۱۱/۹	۱۱/۸	پیچیدگی حسابرس
۲/۹۱	۰/۴۱	۱/۳۹	۹/۸۰	۱۶/۴۴	۱۲/۶۲	۱۲/۶۲	اندازه واحد مورد سیدگی
۵۹	۷/۶۲	۰/۱۳	۰/۰۰	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۲	زیان
۲/۸۳	۱/۹۶	۰/۳۶	۰/۰۰	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۱۵	تغییر حسابرس
۱/۳۸	۰/۶۲	۰/۴۸	۰/۰۰	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۳۵	اظهار نظر حسابرس
۹/۳۸	۲/۴۷	۰/۲۱	۰/۰۰	۱/۱۴	۰/۰۶	۰/۱۴	میانگین نسبت گردش معاملات روزانه
۳/۶۵	۰/۴۳	۰/۱۱	-۰/۱۵	۰/۵۴	۰/۱۵	۰/۱۶	بازده دارائیهها

در جدول ۲، ماتریس همبستگی پیرسون بین متغیرهای مدل تحقیق گزارش شده است.
بررسی همبستگی میان متغیرهای مستقل نشان می‌دهد که میان متغیرهای مستقل همبستگی
بالایی وجود ندارد که بیانگر عدم وجود خود همبستگی میان این متغیرهاست.

جدول ۲: ماتریس همبستگی

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
پراکندگی پیش‌بینی سود هر سهم	۱/۰۰													
خطای پیش‌بینی سود هر سهم	۰/۱۳	۱/۰۰												
تغییرپذیری بازده	۰/۱۱	-۰/۱۳	۱/۰۰											
دوره تصدی حسابرس	-۰/۰۱	۰/۰۰	۰/۰۹	۱/۰۰										
کیفیت حسابرس	۰/۱۴	۰/۰۷	۰/۱۴	۰/۳۸	۱/۰۰									
اهرم	۰/۱۴	-۰/۰۸	۰/۱۰	-۰/۱۰	۰/۰۲	۱/۰۰								
لگاریتم میانگین حجم معاملات روزانه	۰/۱۹	۰/۱۰	۰/۱۶	۰/۰۰	۰/۰۹	۰/۰۴	۱/۰۰							
پیچیدگی حسابرس	۰/۰۴	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۱۶	۰/۲۶	۰/۲۳	۰/۱۶	۱/۰۰						
اندازه واحد مورد رسیدگی	۰/۰۷	۰/۱۳	۰/۰۹	۰/۱۳	۰/۱۶	۰/۱۷	۰/۲۳	۰/۸۸	۱/۰۰					
زیان	-۰/۰۳	۰/۰۷	-۰/۰۳	-۰/۱۳	۰/۰۰	۰/۱۳	-۰/۰۵	-۰/۰۱	۰/۰۱	۱/۰۰				
تغییر حسابرس	-۰/۰۴	-۰/۰۳	-۰/۱۰	-۰/۴۲	-۰/۲۸	-۰/۰۷	۰/۰۲	-۰/۰۴	-۰/۰۱	۰/۱۱	۱/۰۰			
اظهاری نظر حسابرس	-۰/۰۷	-۰/۰۷	۰/۰۵	۰/۰۹	-۰/۰۳	-۰/۲۳	-۰/۰۵	-۰/۱۴	-۰/۱۶	۰/۰۴	۰/۰۰	۱/۰۰		
میانگین نسبت گردش معاملات روزانه	۰/۱۴	۰/۰۵	۰/۱۶	-۰/۰۵	۰/۰۹	۰/۰۶	۰/۸۵	-۰/۲۱	-۰/۱۶	-۰/۰۴	۰/۰۴	-۰/۱۱	۱/۰۰	
بازده دارائیهها	-۰/۰۵	-۰/۳۱	۰/۰۴	-۰/۰۲	-۰/۰۱	-۰/۲۸	۰/۳۵	-۰/۰۳	-۰/۱۱	-۰/۱۱	-۰/۰۴	۰/۲۵	۰/۲۳	۱/۰۰

آزمون فرضیه اول

نتایج مربوط به آزمون فرضیه اول در جدول ۳ آورده شده است. با توجه به احتمال آماره t متغیر پراکندگی پیش‌بینی سود هر سهم (۰/۰۲)، فرضیه اول در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید می‌گردد، به عبارتی بین دوره تصدی حسابرسی و پراکندگی پیش‌بینی سود هر سهم به

عنوان یکی از متغیرهای عدم اطمینان اطلاعاتی رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که افزایش دوره تصدی حسابرسی، عدم اطمینان اطلاعاتی را کاهش می‌دهد. همچنین در بین متغیرهای کنترل، متغیرهای کیفیت حسابرسی، اهرم و لگاریتم میانگین حجم معاملات روزانه در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معنادار و مثبت با متغیر وابسته پراکندگی پیش‌بینی سود هر سهم دارند. با توجه به احتمال آماره F ، کل مدل رگرسیون مربوط به فرضیه اول در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. آماره دوربین واتسون هم دلالت بر عدم وجود خود همبستگی بین متغیرها دارد. آماره VIF نیز حاکی از عدم وجود هم‌خطی بین متغیرهای مستقل است. بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده، فرضیه اول مبنی بر وجود رابطه معنادار بین طول دوره تصدی حسابرسی و پراکندگی پیش‌بینی سود هر سهم به عنوان معیار عدم اطمینان اطلاعاتی را نمی‌توان رد کرد.

جدول ۳: نتایج آزمون فرضیه اول

متغیر وابسته: پراکندگی پیش‌بینی سود هر سهم			
آماره VIF	احتمال آماره t	ضریب	متغیر
	۰/۰۰۰	-۶۹/۴	مقدار ثابت
۱/۴۸	۰/۰۲	-۲/۹۷	دوره تصدی حسابرسی
۱/۴۴	۰/۰۳	۲۱/۱۹	کیفیت حسابرسی
۱/۳۷	۰/۰۰	۱۴۸	اهرم
۲/۱۷	۰/۰۰	۵/۹	لگاریتم میانگین حجم معاملات روزانه
۵/۶	۰/۲۴	۸/۷۵	پیچیدگی حسابرسی
۵/۷	۰/۱۰	-۱۰/۷۴	اندازه واحد مورد رسیدگی
۱/۰۸	۰/۶۷	۳۷/۲	زیان
۱/۲۷	۰/۳۱	-۱۱/۸	تغییر حسابرسی
۱/۲	۰/۱۱	-۱۱/۹	اظهار نظر حسابرسی
۱/۸۴	۰/۹۵	-۲/۲۴	میانگین نسبت گردش معاملات روزانه

۱/۵۸	۰/۰۸	-۷۶/۷	بازده دارائیا
	۰/۲۱		ضریب تعیین تعدیل شده
	۴/۶۶		آماره F
	۰/۰۰		احتمال آماره F
	۱/۶۵		آماره دوربین واتسون

آزمون فرضیه دوم

با توجه به نتایج مربوط به آزمون فرضیه دوم که در جدول ۴ آورده شده است متغیر مستقل دوره تصدی حسابرسی در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معنادار و معکوسی با متغیر وابسته خطای پیش‌بینی سود هر سهم دارد، به عبارتی فرضیه دوم در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید می‌گردد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که افزایش در طول دوره تصدی حسابرسی، عدم اطمینان اطلاعاتی را کاهش می‌دهد. در بین متغیرهای کنترل، متغیرهای اظهارنظر حسابرس، میانگین نسبت گردش معاملات روزانه و بازده دارایی‌ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معنادار و منفی با متغیر وابسته خطای پیش‌بینی سود هر سهم دارند و همچنین متغیرهای اهرم، لگاریتم میانگین حجم معاملات روزانه و زیان شرکت صاحبکار در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معنادار و مثبتی با متغیر وابسته خطای پیش‌بینی سود هر سهم دارند. با توجه به احتمال آماره F، کل مدل رگرسیون مربوط به فرضیه دوم در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار می‌باشد. آماره دوربین واتسون هم دلالت بر عدم وجود خود-همبستگی بین متغیرها دارد. آماره VIF نیز حاکی از عدم وجود هم‌خطی بین متغیرهای مستقل می‌باشد. بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده، فرضیه دوم مبنی بر وجود رابطه معنادار بین دوره تصدی حسابرسی و خطای پیش‌بینی سود هر سهم به عنوان متغیر عدم اطمینان اطلاعاتی را نمی‌توان رد کرد.

جدول ۴: نتایج آزمون فرضیه دوم

متغیر وابسته: خطای پیش‌بینی سود هر سهم			
آماره VIF	احتمال آماره t	ضریب	متغیر
	۰/۰۸	-۳۵۵	مقدار ثابت
۱/۴۸	۰/۰۱	-۸/۹۸	دوره تصدی حسابرس
۱/۴۴	۰/۲۹	-۴۴/۳۲	کیفیت حسابرس
۱/۳۷	۰/۰۰	۲۵۹	اهرم
۲/۱۷	۰/۰۰	۲۵/۶	لگاریتم میانگین حجم معاملات روزانه
۵/۶	۰/۸۶	۵/۹	پیچیدگی حسابرس
۵/۷	۰/۷۵	۱۱/۴	اندازه واحد مورد رسیدگی
۱/۰۸	۰/۰۴	۹۹/۴	زیان
۱/۲۷	۰/۴۱	-۲۸	تغییر حسابرس
۱/۲	۰/۰۳	-۵/۶۹	اظهار نظر حسابرس
۱/۸۴	۰/۰۴	-۲۱۴	میانگین نسبت گردش معاملات روزانه
۱/۵۸	۰/۰۰	-۸۷۸	بازده دارائنها
	۰/۱۹		ضریب تعیین تعدیل شده
	۳/۸۷		آماره F
	۰/۰۰		احتمال آماره F
	۱/۶۸		آماره دوربین واتسون

آزمون فرضیه سوم

در جدول ۵ نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم آمده است. با توجه به احتمال آماره t متغیر تغییرپذیری بازده سهام (۰/۲۸)، فرضیه سوم در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست. به

عبارتی بین طول دوره تصدی حسابرسی و متغیر تغییرپذیری بازده سهام به عنوان معیار عدم اطمینان اطلاعاتی رابطه معناداری وجود ندارد. از بین متغیرهای کنترل، متغیرهای کیفیت حسابرسی، اهرم، لگاریتم میانگین حجم معاملات روزانه، پیچیدگی حسابرسی و اندازه واحد مورد رسیدگی در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معناداری با متغیر وابسته تغییرپذیری بازده سهام دارند. همچنین آماره F نیز حاکی از معنادار بودن کل مدل رگرسیون مربوط به فرضیه سوم در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌باشد. آماره دوربین واتسون هم دلالت بر عدم وجود خود همبستگی بین متغیرها دارد. آماره VIF نیز عدم وجود هم‌خطی بین متغیرهای مستقل را نشان می‌دهد.

جدول ۵: نتایج آزمون فرضیه سوم

متغیر وابسته: تغییرپذیری بازده			
آماره VIF	احتمال آماره t	ضریب	متغیر
	۰/۹۲	۰/۵۳	مقدار ثابت
۱/۴۸	۰/۲۸	-۰/۰۴	دوره تصدی حسابرسی
۱/۴۴	۰/۵۵	۲/۲	کیفیت حسابرسی
۱/۳۷	۰/۰۰	۴/۷	اهرم
۲/۱۷	۰/۷۴	۰/۶۰۴	لگاریتم میانگین حجم معاملات روزانه
۵/۶	۰/۰۰	۱/۲۸	پیچیدگی حسابرسی
۵/۷	۰/۰۲	۱/۱	اندازه واحد مورد رسیدگی
۱/۰۸	۰/۰۰	۳/۱۸	زیان
۱/۲۷	۰/۴۷	-۰/۴۸	تغییر حسابرسی
۱/۲	۰/۰۹	-۰/۷۱	اظهار نظر حسابرسی
۱/۸۴	۰/۵۴	۱/۲	میانگین نسبت گردش معاملات روزانه
۱/۵۸	۰/۰۵	۴/۰۸	بازده دارائنها
	۰/۲۰		ضریب تعیین تعدیل شده

۳/۵۸	آماره F
۰/۰۰	احتمال آماره F
۲/۰۷	آماره دوربین واتسون

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

همان طوری که در مبانی نظری این مطالعه آمده است دو دیدگاه در خصوص دوره تصدی حسابرسی مطرح گردیده است، دیدگاه اول مربوط به فرضیه تخصص حسابرس و دیدگاه دوم مربوط به فرضیه استقلال حسابرس می‌باشد. دیدگاه تخصص حسابرس بر این باور است که با افزایش طول دوره تصدی حسابرسی، کیفیت حسابرسی نیز افزایش می‌یابد که به تبع، عدم اطمینان اطلاعاتی کاهش می‌یابد. و برعکس دیدگاه دوم یعنی استقلال حسابرس معتقد به کاهش کیفیت حسابرسی با افزایش دوره تصدی حسابرسی است که منجر به افزایش عدم اطمینان اطلاعاتی می‌گردد. براساس یافته‌های تحقیق حاضر، بین دوره تصدی حسابرسی و عدم اطمینان اطلاعاتی رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد، به بیان دیگر هر چه مدت همکاری حسابرس و صاحبکار افزایش یابد، عدم اطمینان اطلاعاتی کاهش می‌یابد که بیانگر تایید دیدگاه اول یعنی فرضیه تخصص حسابرس می‌باشد و دیدگاه دوم یعنی فرضیه استقلال حسابرس را نقض می‌نماید. آنچه از نتایج این تحقیق بر می‌آید این است که با افزایش دوره تصدی حسابرسی، حسابرسان شناخت بیشتری از فعالیت صاحبکار کسب نموده و آگاهی آنها نسبت به کار بیشتر شده و از هرگونه ریسک حسابرسی بالقوه اجتناب می‌کنند و سعی می‌کنند با بکارگیری آزمونهای بیشتر و قویتر، حسابرسی با کیفیت تری را انجام دهند. بنابراین نتایج این مطالعه نگرانی سازمان بورس را در خصوص چرخش اجباری حسابرس در هر ۴ سال، به منظور جلوگیری از ایجاد روابطی که ممکن است باعث خدشه‌دار شدن استقلال حسابرس و در نتیجه کاهش کیفیت حسابرسی شود را برطرف می‌نماید و حتی پیشنهاد می‌نماید که دوره چرخش اجباری مؤسسات حسابرسی به ۵ سال یا

بیشتر، افزایش یابد که باعث افزایش توأم کیفیت حسابرسی و همچنین کاهش هزینه‌های حسابرسی ناشی از چرخش حسابرس می‌گردد. همچنین پیشنهاد می‌گردد استفاده‌کنندگان از صورتهای مالی در تجزیه و تحلیل، به دوره تصدی حسابرسی توجه داشته باشند و به سازمان بورس اوراق بهادار نیز پیشنهاد می‌گردد در قیمت‌گذاری سهام شرکت‌های با دوره تصدی بالای حسابرسی، به این موضوع عنایت داشته باشند.

نتایج این تحقیق مطابق با نتایج تحقیقات پیر و اندرسون، جانسون و همکاران، والکر و همکاران، گل و همکاران، ناگی و کارسلو، گوش و مون، رجبی، کرمی و بذرافشان، کاشانی‌پور و همکاران، نمازی و همکاران، می‌باشد. و مخالف با نتایج تحقیقات چویی و دوگاو، کاپلی و دوسه، داویس و همکاران، وانسترالین، مایرس و همکاران، باتز و همکاران، استنلی و دیزورت، می‌باشد.

همچنین موضوعات زیر برای تحقیقات آتی پیشنهاد می‌گردد:

۱. تکرار این پژوهش با تفکیک دوره تصدی حسابرسی به دوره‌های زمانی مختلف
۲. بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرسی و مدیریت سود
۳. بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر عدم اطمینان اطلاعاتی
۴. بررسی رابطه دوره تصدی حسابرسی و کیفیت حسابرسی
۵. بررسی رابطه دوره تصدی حسابرسی و استقلال حسابرس

پی‌نوشت:

- ۱- IFAC
- ۲- Balanced Data
- ۳- Generalized Least Square (GLS)
- ۴- Cross-section weights
- ۵- Variance inflation factor (VIF)

منابع و مأخذ:

۱. آقای، محمدعلی، ناظمی اردکانی، مهدی. (۱۳۹۱)، "تخصص حسابرس در صنعت و مدیریت اقلام تعهدی اختیاری"، دانش حسابرسی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، صص ۴-۱۷.
 ۲. ابراهیمی، کردلر، ذاکری، حامد. (۱۳۸۸)، "بررسی مدیریت سود با استفاده از فروش داراییها"، تحقیقات حسابداری، صص ۱۲۲-۱۳۵.
 ۳. رجبی، روح‌اله. (۱۳۸۵)، "چالشهای تعویض حسابرس"، مجله حسابدار رسمی، شماره ۸ و ۹، صص ۵۳-۶۲.
 ۴. عرب‌صالحی، مهدی، کاظمی، جواد، ذولفعلی‌زاده، مهرداد. (۱۳۹۰)، "بررسی رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی از دیدگاه قرارداد روانی و تعهدات عاطفی سازمانی"، مجله دانش حسابداری، سال دوم، شماره ۵، صص ۱۲۷-۱۴۷.
 ۵. کاشانی‌پور، محمد، مران‌جوری، مهدی، مشعشعی، سیدمحمد. (۱۳۹۱). "بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرس و اقلام تعهدی اختیاری"، دهمین همایش ملی حسابداری دانشگاه الزهراء، صص ۸۵-۱۰۰.
 ۶. کرمی، غلامرضا، بذرافشان، آمنه. (۱۳۸۸). "بررسی رابطه دوره تصدی حسابرس و گزارشگری سودهای محافظه کارانه در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه بورس اوراق بهادار، سال دوم، شماره ۷، صص ۵۵-۸۰.
 ۷. مجتهدزاده، ویدا، آقای، پروین. (۱۳۸۳)، "عوامل مؤثر بر کیفیت حسابرسی مستقل از دیدگاه حسابرسان مستقل و استفاده کنندگان"، بررسیهای حسابداری و حسابرسی، سال یازدهم، شماره ۳۸، صص ۵۳-۷۶.
 ۸. نمازی، محمد، بایزیدی، انور، جبارزاده، سعید. (۱۳۹۰)، "بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، مجله تحقیقات حسابداری، شماره ۹، صص ۴-۲۱.
۹. Bates, H.L, Ingram, R.W, Reckers, M.J, (۱۹۸۲). "Auditor client affiliation: The impact on materiality". Journal of Accountancy, ۶۰-۶۵.

۱۰. Choi, J.H, Doogar, R. (۲۰۰۵). "Auditor tenure and audit quality: evidence from going-concern qualifications issued during ۱۹۹۶-۲۰۰۱". Working Paper, Hong Kong University of Science and Technology, University of Illinois at Urbana- Champaign.
۱۱. Copley P. and Doucet M.S. (۱۹۹۳). "Auditor Tenure, Fixed Fee Contracts, and the Supply of Substandard Single Audits". Public Budgeting & Finance, Vol. ۱۳, Issue ۳, pp. ۲۳-۳۶.
۱۲. Davis, RL. Soo, B.S. and Trompeter, G. M. (۲۰۰۹). "Auditor tenure and ability to meet or beat earning forecasts", Contemporary Accounting Research, No: ۲۶, pp: ۵۱۷- ۵۴۸.
۱۳. Dechow P.M., Sloan R., Sweeny, A. (۱۹۹۵). Detecting Earnings Management. The Accounting Review,; ۷۰(۲): ۱۹۳-۲۲۵.
۱۴. De Fond M. L., Park C. W. (۱۹۹۷). "Smoothing Income in Anticipation of Future Earnings". Journal of Accounting and Economics; ۲۳: ۱۱۵-۱۳۹.
۱۵. Francis J., R. La Fond, P., and. Schipper K. (۲۰۰۴). Costs of Equity and Earnings Attributes. The Accounting Review; ۷۹: ۹۶۷-۱۰۱۰.
۱۶. Ghosh A. and Moon D. (۲۰۰۵). "Auditor Tenure and Perceptions of Audit Quality". The Accounting Review, Vol. ۸۰, Issue ۲, pp. ۵۸۵-۶۱۲.
۱۷. Gul, F.A., Fung S.Y, and Jaggi B.L. (۲۰۰۹). "Earning quality: Some evidence on the role of auditor tenure and auditors", industry expertise. Journal of Accounting and Economics, No ۴۷, pp: ۲۶۵- ۲۸۰.
۱۸. Johnson V.E., Khurana I.K. and Reynolds J.K. (۲۰۰۲). "Audit- firm tenure and the quality of financial Reports". Contemporary Accounting Reserch, Vol. ۱۹, Issue ۴, pp: ۶۳۷- ۶۶۰.
۱۹. Nagy A. (۲۰۰۵). "Mandatory audit firm turnover, financial reporting quality, and client bargaining power: the case of Arthur Andersen". Accounting Horizons, Vol. ۱۹, Issue ۲, pp. ۵۱-۶۸.
۲۰. Pierre K. St and Anderson J.A. (۱۹۸۴). "An Analysis of the Factors Associated with Lawsuits Against Public Accountants". The Accounting Review, Vol. ۵۹, Issue ۲, pp. ۲۴۲-۲۶۴.
۲۱. Myers J.N., Myers L.A. and Omer C.T. (۲۰۰۳). "Exploring the Term of the Auditor-client relationship and the quality of Earnings: A case for Mandatory Auditor rotation?". The Accounting Review ,Vol. ۷۸, Issue ۳, pp. ۷۷۹-۷۹۹.

۲۲. Stanley, J.D. and F.T. DeZoort. (۲۰۰۷). "Audit firm tenure and financial restatements: an analysis of industry specialization and fee effects". *Journal of Accounting and Public Policy* ۲۶ (۲): ۱۳۱- ۱۵۹.

۲۳. Vanstraelen A. (۲۰۰۰). "Impact of renewable long-term audit mandates on audit quality". *The European Accounting Review*, Vol. ۹, Issue ۳, pp. ۴۱۹-۴۴۳.

۲۴. Walker P.L. (۲۰۰۱). Lewis B.L. and Casterella J.R., "Mandatory auditor rotation: Arguments and current evidence". *Accounting Enquiries*, Vol. ۱۰, Issue ۲.

Archive of SID

A Study on the Effect of Auditing Tenure on Information Uncertainty

Roohollah Gheitasi^{1*}

Sohrab Osta^۲

Fatolah Hajizadeh^۳

^۱- Member of the scientific Board of Accounting, Ilam University

^۲- Member of the scientific Board of Accounting, Ilam University

^۳- Member of the scientific Board of Accounting, Ilam University

Abstract

The study tends to survey the effect of duration of auditing tenure on the quality of information uncertainty of business entities. The qualities of information uncertainty are measured via deviation measurements of forecasting EPS, forecasting error of EPS, and variability of stock return. These measurements established in the form of hypotheses are tested by regression of integrated data and generalized least square. The statistical society of this research was nonfinancial corporations in Stock Exchange of Tehran during ۲۰۰۲-۲۰۰۸ (۱۳۸۲-۱۳۸۸). The results of the study of ۵۶ sample corporations showed that there is a significant and reverse relationship between the duration of auditing tenure and the deviation of forecasting EPS and forecasting error of EPS, and there is no significant relationship between the stock return and the duration of auditing tenure. Thus, increasing the duration of auditing tenure tends to decrease uncertainty to provided information by business entities. These findings support the view of auditor expertise and eliminate the concern about viewpoint of auditor independence.

Keywords: information uncertainty, auditing tenure, deviation of forecasting, forecasting error of EPS, variability of stock return

Archive of SID